

# مرور زمان در گناهی که از ازدواج ناشی میشوند

قانون کیفر عمومی در ماده ۲۱۱ اعمالی را گناه تشخیص داده است از جمله :

۴- هر زنی که در قید زوجیت با عده دیگری است ازدواج کند.

۵- هر مردی که زن شوهردار با زنی را که در عده دیگری است ازدواج کند .

اکنون موضوع قابل توجه در این قبیل گناهان که واجد فایده عملی است تشخیص فوری یا مستمر بودن آنهاست که در جریان مرور زمان و شروع و ختم آن تأثیر مهم دارد. چه در صورت فوری بودن گناه مرور زمان از تاریخ وقوع ازدواج شروع و در صورت مستمر بودن آن از تاریخ قطع ازدواج بعمل قانونی و با انحلال آن خواهد بود .

هر چند این نکته محتاج تذکر نیست که مرور زمان از مسائل مقدماتی رسیدگی و بر سایر اصول جزائی و هر گونه اقدامی در تعقیب گناه مقدم بوده دادرس مکلف است با مواجهه بچنین مواردی در درجه اول باین قسمت توجه نماید چنانچه در عمل نیز موضوع فوق غالباً مورد رسیدگی و شایسته امان نظر است :

شوهری از زن خود نکابت مینماید در چهار سال پیش ( و زمانی که وی در عقد ازدواج شوهر مزبور بوده ) با شخص ثالثی مزاجت نموده است . باز پرس در مقام ادعای زن به وقوع طلاق قبلی بین او و شاکی قضیه را قابل رسیدگی می داند .

در چنین مواردی اگر مرور زمان جاری شده باشد اساساً رسیدگی بصحت طلاق بیفایده و منع تعقیب متهم در هر صورت الزامی است .

پس لازم است در چنین مواردی قبلاً فوری یا مستمر بودن گناه مورد نظر واقع شود .

در موضوع فوق دو عقیده مختلف موجود است . جمعی معتقدند گناه مزبور مستمر و تا تاریخ ختم زوجیت دوام دارد و اینطور توضیح میدهند : از آنجا که ازدواج امری است دارای استمرار و مادام که علقه زوجیت باقی و قطع نشده مرور زمان جاری نخواهد شد .

از طرف دیگر در گناهان مستمر مانند سایر گناهان شرط دوام گناه در چیز است :

یکی قصد گنهکار و دیگری انجام این قصد بوسائل عملی خواه نتیجه آن امر مثبت باشد و خواه منفی . در موارد ازدواج این هر دو شرط موجود و مسلم است بطوری که هم زن و شوهر قصد ادامه زناشوئی را داشته و هم بقاء آن را با اعمال و افعال خود ثابت و محرز میدارند بنابراین گناه زن وقتی قابل مرور است که جهات قطع ازدواج پیش آید چه وقتی عملی بطور استمرار ادامه داشت اگر آن عمل گناه باشد ناچار گناه مزبور نیز با بقاء آن عمل شریک است .

دوم فوری بودن گناه - لکن نظریه فوق صحیح نیست و با اصول و منطق قضائی و روح قانون نیز موافقت ندارد. طرفداران استمرار گناه در ازدواج اگر بهمنشاء فرض و نظریه خویش مراجعه کنند خواهند دانست که مبدأ اندیشه آنها دچار اشتباه شده باین معنی که بین اصل عمل و یا هر فعل خارجی که موجد امر قضائی است و آثار و نتایج ناشیه از عمل مزبور فرقی بسیاری موجود و برای تشخیص هر گناه از نظر فوریت و استمرار ناچار باید در درجه اول دواصل فوق را از هم تمیز دهیم .

در اسر ازدواج مانند سایر امور قضائی یعنی نفس عمل که سبب وجود است با نتایج و آثار مترتبه بر آن فرق مشهودی است ازدواج موجد وضعیت خاص و مسبب یکرشته تکالیف و حقوق و وظایفی است که بوسیله تشریفات خاص و مقدماتی که از نظر حفظ انتظامات اجتماعی لازم شده ولی همینقدر که تشریفات مزبور بعمل آمد اسر ازدواج راقع شده و آنچه که مورد استمرار است همان وظایف و تکالیف بین الانین است .

پس اصل عمل فوری انجام و نتایج و آثار آن مستمر بوده گناهان ناشیه از ازدواج بشرح فوق نیز فوری و از همان زمان وقوع و قابل مرور زمان اند .

علاوه اگر نظری به متن قانون که در مقام تعریف گناه ( بطور غیر مستقیم ) برآمده افکنیم عقیده فوق تأیید میشود :  
ماده ۲۱۱ شق ۴ گوید :

هر زنی که در قید زوجیت با عده دیگری است « ازدواج » کند ذکر کلمه « ازدواج » جز تمبیر نظر قانون گذار بنفس عمل بچیز دیگری دلالت نخواهد داشت - در مقام عرف و عادت هم مقصود از ازدواج انجام همان تشریفات سنتی است که برای ایجاد علقه زناشویی بکار میرود .  
حال فرض کنیم چنین موضوعی در دادسرا طرح و مورد شکایت واقع وزن در مقام دفاع از خود بمروور زمان انکاء نمود در اصل گناه بمدافعه پرداخته مدعی طلاق شوهر قبل از وقوع ازدواج دوم گردید و شوهر طلاق مزبور را تصدیق نداشت ؟

آیا باز پرس میتواند اختلاف زوجیت را بدادگاه حقوق احاله و قرار اناطه صادر کند؟ و در صورت صدور از طرف شاکی خصوصی قرار مزبور قابل پژوهش است ؟

بنظر نگارنده و بنا بر استدلال فوق باز پرس باید بیش از هر چیز بموضوع مرور زمان ( در صورت فرض حلول ) رسیدگی و عقیده خود را در این باب بگوید چه در صورت صحت موضوع قابل تعقیب نخواهد بود .

اما در صورتیکه باز پرس در این باب اظهار عقیده نموده وارد اصل موضوع گردید .

بدیهی است قرار اناطه برای تحقق وقوع طلاق ضروری ولی در قابل پژوهش بودن آن مورد نظر است .

از طرفی با نظر سطحی باصل موضوع و با توجه باینکه چون اصل طلاق مورد اختلاف طرفین و حل آن از خصائص دادگاه حقوق و بلکه دادگاه اختصاصی است کدام موضوع بیشتر و بالا تر از احوال شخصیه قابل اناطه است؟ و از طرف دیگر اگر عقیده طرفداران عدم امکان پژوهش را در قرار اناطه در نظر گیریم و استدلال کنیم که قرار اناطه حق مدعی خصوصی را تضییع و تضییق نمیکند باید این چنین قرار را مطلقاً صحیح و پژوهش شاکی وارد کنیم .

ولی صرف نظر از استدلالی که در محل مخصوص بخورد راجع باین موضوع کرده ایم لازم است تذکر دهیم که ضرر و زیان بحیثیت و شرافت شخص از جمله لطماتی است که شاید جبران آن نیز ممکن نباشد و در امر ازدواج با فرض این که طلاق قبلی ثابت نشد تمام آثار و نتایج مترتبه بر ادامه ازدواج که از جمله هم بستری زن با مرد اجنبی و امکان نتیجه شدن طفلی از علائق مزبور دارای زیان جبران ناپذیر است .

پس پژوهش قرار مزبور از این حیث بی اشکال و در بادی امر قابل قبول ولی نکته باریکی در این موضوع شایسته توجه است باین معنی که اگر شرحی که استدلال کردیم گناه ناشی از ازدواج فوری و قابل مرور تشخیص داده شود چون با فرض مرور زیان حاصله از این عمل از نظر قانون و حقوق جزائی قابل تعقیب نبوده و کان ام یکن است قرار اناطه نیز حق مدعی خصوصی را تضییق نکرده و قابل شکایت نیست .